قسمتی از کارنامه ی درخشان زندگی امام علی

ر. راسخ

علی، چهارمین خلیفه راشدین ، اولین امام شعیان ، داما د و پسر عموی پیامبر اسلام از اولین کسانی است که اسلام آورد و در راه ترویج دین محمد از کشته های مخالفان عرب و عجم (ایرانیان) پشته ساخت. در وصف وی « ابوجعفر محمد بن علی» خطاب به «اسحق بن عبدالله» می گوید: [علی] پوست تیره پر رنگ، چشمان برآمده ، سر طاس و قدی کوتاه داشت.

علی برخلاف ادعاهای صرفا مکتبی و مذهبی، فردی ثروتمند بود بطوریکه تنها از راه نخلستانهای خود سالانه 40 هزار دینار درآمد داشت. (تاریخ اسلام شناسی، علی میرفطروس باستناد به تجارب السلف ص 13). این پولهای قارونی که در دوران حاکمیت اسلام ناب محمدی رشد چندین برابر داشت، توانست در کنار مکتب خونریز ذوالفقار، نقش عمده ای در ترویج اسلام ایفا کند. علی بر این اعتقا د بود که ما [مسلمانان] عقیدهایمان را بر شمشیرهایمان حمل می کنیم (به نقل نهج البلاغه).

پس از درگذشت محمد و فاطمه الزهرا ، علی شروع به گسترش حرمسرای خود کرد بطوری که بنا به کتاب « زنان محمد» نوشته عمادزاده که از منابع معتبری یاری جسته بالغ بر 30 زن و تعداد زیادی کنیز را در حرمسرای خود جا داده بود. بقول غزالی آن حضرت در شمار مردان کثیرالازدواج تاریخ است. زنان دائمه علی که نامشان در تاریخ مانده جز زنانی که نامشان برده نشده و جز کنیزان که از برخی از آنها فرزندانی بجای مانده عبارتند از: فاطمه زهراء، خوله بنت ایاس حنفیه، لیلی بنت مسعود نهشلیه، اسماء بنت عمیس، فاطمه بنت حزام مکناة به امّ البنین، ام سعید بنت عروة بن مسعود ثقفی، امامه بنت ابوالعاص بن ربیع.

علی پس از مرگ پیامبر اسلام، علی رقم کش و قوسهای 6 ماهه با خلیفه اول مسلمانان (ابوبکر)، بیعت کرد. در زمان خلیفه دوم (عمر) ، با ازدواج دخترش با عمر موافقت کرد تا بتواند در معا دلات سیاسی نقش بازی کند. در همین راستا بود که در هنگام لشکرکشی مسلمانان به ایران، بعنوان یکی از مشاوران نزدیک عمرعمل کرد. پس از ترور عمر بدست فیروز ابولولو ایرانی و روی کار آمدن خلیفه سوم (عثمان)، بارها با وی بمخالفت پرداخت و پس از کشته شدن عثمان بدون در نظر گرفتن رای « اهل اجماع » بر کرسی امپراطوری اسلام تکیه زد.
با قدرت گرفتن علی، اختلافات بین وی و معاویه بر سر قدرت و گسترش قلمرو بالا گرفت بطوری که جنگهای بس خونینی درگرفت. این اختلافات سرانجام وقتی که هیچ یک از دو گروه به اطاعت دیگری نیامد، با نگارش نامه ی که معاویه به علی نوشت پایان یافت. معاویه در این نامه خطاب به علی نوشت: " اگر مایل هستی عراق از آن تو باشد و شام از آن من، و شمشیر از این امت برداری و خون مسلمانان را نریزی. " این پیشنهاد را قبول کن. علی این پیشنهاد را پذیرفت و پس از آن معاویه با سپاهیانش در شام و اطراف آن به حکومت و گرفتن خراج مبادرت کرد و علی نیز در عراق حکومت نمود. (به نقل از زیادبن عبدالله ، تاریخ طبری، جلد ششم، ترجمه ابولقاسم پاینده)

در جریان جنگهای ما بین علی و معاویه و کشتارهای عقیدتی در سرزمینهای تحت کنترل آنان، کینه و انتقام در بسیاری از خانواده های داغدار و گرایشات مخالف رشد کرد و بسیاری از آنان شروع به فعالیت سازمانیافته مخفی نمودند. یکی از این گروهها که از هواداران خوارج محسوب می شدند به این نتیجه رسیدند که علل اصلی سقوط اسلام و کشتارها عقیدتی، وجود رهبران ضلال است که روزگار خوش را از مردم گرفته اند. در این راستا آنان تصمیم گرفتند که حاکمین جبار را ترور کنند. سه نفر به نامهای بن ملجم، برک بن عبدالله و عمر بن بکر مامور شدند که هر یک به ترتیب امام علی، معاویه و عمروبن عاص را ترور کنند. روز مقرر شده برای این کار هفتم رمضان تعین شد. هریک با شمشیرهای زهرآگین بسوی رفتند تا ماموریت خود را در روز مشخص شده انجام دهند. برک بن عبدالله و عمر بن بکر به دلایلی نتوانستند سوژه های خود را معدوم سازند ولی ابن ملجم که خود را به کوفه رسانده بود توانست با یاری یکی از دوستان همفکر خود بنام شبیب ضربت کاری را به پیشانی امام علی وارد سازد. بعد از ضربت، ابن ملجم را نزد امام علی بردند و علی از او پرسید چرا چنین کردی؟ ابن ملجم گفت: شمشیرم را چهل صبحگاه تیز کردم و از خدا خواستم که

بدترین و پست ترین مخلوق خدا را با آن بکشم. علی گفت: خود نیز با آن کشته می شوی که بدترین مخلوق خدای. (تاریخ طبری، ص 2681)

پس از نگاه شتابزده ای که بر زندگی امام علی داشتیم، در ادامه سعی می کنیم با استناد به منابع مستند تاریخی، نقش عمده وی را در سرکوب و کشتار مخالفان ، بهتر بشکافیم.

الف) نقش امام علی در کشتارهای جمعی

1) قبیله یهودی « بنی قریظه» با **پیامبر** اسلام قرارداد دوستی و همکاری امضا کردند که بر اساس آن قرارداد اگر دشمنانی از خارج به مدینه هجوم آوردند، این قبیله موظف بود دوش به دوش لشکر مسلمانان با آنها بجنگد. محمد پس از چندی با قبیله بنی نضیرکه جزو قبایل مدینه است به جنگ می پردازد و از قبیله بنی قریظه کمک می خواهد. این قبیله سر باز می زند و خود را در صورتی مسئول و ملزم به اجرای قراداد همکاری می داند که دشمنان خارجی به مدینه حمله ور شوند. محمد خشمگین می شود و به امام علی دستور می دهد که در راس لشکری به آنجا رفته و آنها را حسابی گوشمالی دهد. امام علی نیز پس از فتح قبیله « بنی قریظه » به همراه سایر لشکران اسلام بیش از 700 نفر تا 900 نفر از مردان قبیله را در مقابل گودالهای که از پیش کنده شده بود سر می زنند. (تاریخ طبری، جلد 3 ، ص 1088)

2) امام علی و یارانش در یک روز، 2500 نفر از خاندان « ازد» را سر بریدند، به نحوی که کسی زنده نماند تا دیگری را دلداری دهد. (مروج الذهب،جلد اول، ص 729)

3) خوارج از مسلمانانی بودند که پس از جنگ صفّین و مسئله حکمیّت به مخالفت علی برخاستند و چون از سوی علی ابو موسی اشعری و از سوی معاویه عمرو عاص به داوری معیّن شده بودند تا به مطالعه کتاب خدا و سنّت پیغمبر کدامیك از علی و معاویه را برگزینند داور شام داور عراق را فریب داد و عراقیان دانستند که از عمرو عاص فریب خورده اند به حضرت اعتراض کردند که چرا به حکمیّت تن دادی؟ و آنان فرقه ای شدند و به مخالفت علی پرداختند. بعدها جنگی به نام نهروان بین خوارج و لشکر علی درگرفت که در طی آن تعداد زیادی از خوارج بوسیله لشکر امام علی از دم تیغ گذشتند. بطوری که تاریخ طبری و فتوح البلدان می نویسند: هزاران جسد از خوارج زمین را پوشانده بود.

> خوارج به خلافتی معتقد بودند که انتخاب خلیفه از روی اختیار مردم باشد خواه از قریش و عرب و یا از هر قوم و ملتی باشد؛ و میگفتند: خلیفه پس از انتخاب باید اوامر الهی را اطاعت کند وگرنه باید عزل شود .

« روح الله خمینی»، رهبر حکومت اسلامی ایران، 14 قرن بعد از کشتار خوارج چنین گفت: یوم الله واقعی روزی است که امیر علیه السلام شمشیرش را کشید و خوارج را از اول تا به آخر درو کرد و تمامشان را کشت. (سخنرانی خمینی در سال 1361 بمناسبت سالگرد پیامبر اسلام)

4) امام علی در نبردی بنام « لیله الحریر» چیزی بالغ بر تن 500 تا 900 نفر کشت.
(منتهی الامال ، جلد اول، ص 153)

5) عبدلله خررمی با 70 نفر از همراهانش از بیم جان به دژی پناه برد. به دستور امام علی، دژ به آتش کشیده شد که در جریان آن تمامی این افراد زنده زنده در آتش سوختند؛ بطوری که بوی گوشت بریان شده این انسانهای نگون بخت در هوا پخش و مردم را آزار داد.
(علی مرزی نامتناهی، حس صدر، ص 199)

6) بعد از مرگ محمد پیامبراسلام، عده ای از مردم قبایل از اسلام برگشتند و عوامل پیامبر اسلام را کشتند و از شادی مرگ محمد به زنانشان فرمودند که دستان خود را حنا بگذارند.
(قصص النیا نیشاپوری، ص 455) .

ابوبکر ، عمر و علی بفوریت دستور دادند که هر که از دین برگشته، گردن زنند و با آتش بسوزانند و زن و بچه اشان را به اسارت برند (تاریخ طبری، جلد 4 ص 1379، 1380، 1394 ، 1407 و جلد 6 ، ص ص 2420 و 2665) . در جریان این کشتارها، شمشیرهای خالد ابن ولید و امام علی برنده تر از دیگران عمل کرد. تاریخ طبری درباره ی کشتارهای
« خالد بن ولید» می نویسد: " آنانکه دست رنگ کرده بودند و شادی و شعف در اثر درگذشت پیامبر اسلام نشان داده بودند همه را بکشت و به آتش بسوخت و فرمود تا سرهایشان گرد کنند و پایه دیگ کنند و آتش در تن های ایشان زد و همه را بسوخت". همین کتاب در مورد نقش علی در سوزاندن اجساد مردم در جریان این کشتارها می نویسد: " علی تنهای آنان را در آتش سوزاند و خاکستر نمود." (تاریخ طبری، جلد چهارم ص ص 1380 و 1464 و جلد ششم صفحات 2420 تا 2265)

ب) چهره امام علی بعنوان یک دژخیم

1) شاعری بنام « حویرث بن نقیذ » که با سخنان شیوا و افشاگریانه ی خود موجبات اذیت و آزار محمد پیامبر خدا را برانگیخته و همچنین شتر دختران محمد، فاطمه و ام کلثوم را رَم داده بود به فرمان محمد رسول خدا و توسط علی امام اول شعیان، در جریان یک توطئه به قتل رسید. (رجوع شود به تاریخ طبری ج 3 ص 1188 و سیره ابن هشام ج 2 ص 273)

2) پیرمردی بنام « مغیره » که از ترس محمد گریخته بود، بوسیله امام علی دستگیر و سر بریده شد. (دفتر زنان پیغمبر، عمادزاده ص ص 316 و 317)

3) امام علی شاهرگ مردانی را برید و بمانند مرغان نیم بسمل آنان را در بیابان رها کرد تا با شکنجه بمیرند. (امام علی، عبدالفتاح، جلد 5، ص 27)

4) پس از شکست ائیل، محمد پیامبر اسلام به علی دستور داد که نضر پسر حارث را سر بریدند. همینطور در منطقه ای دیگر بنام الظیه از میان اسرا، عتبه پسر ابی معیظ بدستور محمد و بدست علی سر بریده شد. (دفتر منتهی الامال، جلد اول، ص 57)

5) مردی بنام عتبه که بخاطر عدم پخش مساوی غنائم بین لشکر اسلام به صورت محمد تف کرده بود، بوسیله علی سر بریده شد. (تاریخ طبری، جلد 5، ص 1103)

ج) امام علی و کشتار ایرانیان

امام علی یکی از مشاوران نزدیک عمر (خلیفه دوم مسلمانان) در هنگام حمله لشکر اسلام به ایران بود. زمانی که عمر می خواست خود شخصا در این جنگها حاضر شود، امام علی به او گفت: " تو سر این سپاهی اگر بروی و کشته شوی، سپاه اسلام متلاشی می شود. تو باید مرکز خلافت را داشته باشی تا اگر سپاه اسلام شکست خورد. ایرانیان بدانند که این نیرو پشت دارد" (تاریخ طبری، جلد 5، ص 1943 و 1945، اخبار الطول ص 147 و نهج البلاغه ص 443 – 446).
عمر که داما د امام علی بود و روی حرفهای وی حساب می کرد پیشنهاد وی را پذیرفت و در دارالخلافه ماند و در راس لشکریان اسلام فرماندهان با تجربه و خونریزی گمارد و به طرف ایران گسیل داشت. پس از شکست ایرانیان و پیروزی لشکریان اسلام، علی خطا ب به مردم کوفه گفت: ای مردم کوفه، شما شوکت عجمان را بردید. (تاریخ طبری، جلد 6 ص 2208)

پس از پایان سلطنت 3 تن از خلفای مسلمانان (ابوبکر،عمر، عثمان) نوبت سلطنت امام علی رسید که بسیار لرزان و کوتاه بود. اختلافات معاویه و علی بر سر قدرت بالا گرفت و سبب ساز جنگهای طولانی گردید. علی جهت تامین مخارج این جنگها مجبور بود که باج و خراج بیشتری از ایرانیان اخذ کند. این فشارها موجب قیامها و مقاومتهای دلیرانه از سوی شهرهای مختلف ایران شد بطوری که امام علی بی رحم ترین سرداران خود، از جمله « خلید بن طویف» ، « زیاد ابن ابیه » را بسوی خراسان، فارس، ری ، آذربایجان و سایر شهرها و بلاد اعزام داشت.

در ادامه به مواردی از سرکوب قیامهای مردم ایران در زمان خلافت امام علی می پردازیم:

- در زمان امام علی، مردم استخر چندین بار قیام کردند. امام علی در یکی از آن موارد «عبدالله بن عباس» را در راس لشکری به آنجا گسیل داشت و شورش تودهها را در سیل خون فرونشاند (فارسنامه ابن بلخی، ص 136). در مورد دیگر که مردم استخر شوروش کردند، امام علی « زیاد بن ابیه » که از خونخواری و آدمکشی به انوشیروان دوم لقب گرفته بود به آنجا گسیل داشت تا به سرکوبی این قیام بپردازند. در مورد جنایات و کشتار مردم استخر توسط زیاد بن ابیه کتابها و روایت زیادی نوشته و نقل شده است(رجوع کنید به کتاب مروج الذهب، جلد دوم ص29).

- در سال 39 هجری مردم فارس و کرمان نیز سر به شورش گذاشتند و حکام ستمگر امام علی را از شهر خود بیرون کردند. امام علی مجددا زیاد بن ابیه را به آنجا گسیل داشت و لشکریان وی از هیچ جنایتی فروگذاری نکردند. (تاریخ طبری، جلد 6، صفحه 2657 و یا فارسنامه، ص 136)

- مردم خراسان نیز در زمان امام علی برای چندین بار قیام کردند و چون چیزی نداشتند بعنوان باج و خراج بپردازند، از دین اسلام برگشته و به مقاومت سخت و جانانه ای دست زدند. امام علی «جعده بن هبیره» را بسوی خراسان فرستاد. او مردم نیشاپور را محاصره کرد تا مجبور به صلح شدند. (تاریخ طبری، جلد 6، ص 2586 و فتوح البلدان ص 292)

- در زمان امام علی مردم شهر ری نیز سر به طغیان برداشتند و از پرداخت خراج خودداری کردند. امام علی، «ابوموسی» را با لشکری زیاد به سرکوب شوروش فرستاد و امور آنجا را بحال نخستین برگرداند. ابوموسی پیش از این طغیان نیز، یکبار دیگر بدستور امام علی به جنگ مردم شهر ری گسیل شده بود. (فتوح البلدان ص 150)

- به روزگار خلافت علی بن ابی طالب، چون پایان سال 38 و آغاز سال 39 بود، حارث بن سره عبدی، به فرمان علی لشکر به خراسان کشید و پیروز شد، غنیمت بسیار و برده ی بی شمار بدست آورد. تنها در یک روز، هزار برده میان یارانش تقسیم کرد. لکن سرانجام خود و یارانش، جز گروهی اندک، در سرزمین قیقان (سرحد خراسان) کشته شد. (فتوح البلدان، بلاذری)

- علی بن ابی طالب، عبدالرحمن بنی جز طائی را به سیستان فرستاد. لکن حسکه حبطی وی را بکشت، پس علی فرمود: بیاید که چهار هزار تن از حبطیان را به قتل رسانیم. وی را گفتند: حبطیان پانصد تن هم نشوند. (فتوح البلدان، بلاذری)

- علی ولایت آذربایجان را نخست به سعید بن ساریه خزاعی و سپس به اشعث بن قیس داد. یکی از شیوخ آذربایجان نقل می کند که ولید بن عقبه همراه با اشعث بن قیس به آذربایجان می آیند . و چون ولید آن دیار را ترک کرد ، مردم آذربایجان قیام کردند. اشعث از ولید طلب یاری کرد و ولید برای یاری وی سپاهی از کوفه به در آنجا گسیل داشت. اشعث، حان به حان (حان= خانه به خانه) فتح کرد و پیش رفت. و پس از فتح آذربایجان گروهی از تازیان اهل عطا را بیاورد و در آنجای ساکن ساخت و آنان را فرمان داد که مردم را به اسلام خوانند. (فتوح البلدان، بلاذری)

21 مارس 2001